

پیمانو

سال دوم

خرداد ماه ۱۳۳۵

شماره هفتم و هشتم

محسن مقدم
استاد دانشگاه

مبادی تمدن در ایران

در سالهای اخیر در قلات ایران کاوشهای مختلفی شده است که بماتبات میکنند تمدن ایران خیلی قدیمی بوده و حتی ملل آسیای غربی نیز تمدن چندین هزار سال قبل خود را از ایرانیان قدیم اقتباس نموده اند و نیز تاریخ شروع صنایع در ایران چندین هزار سال پیش از موقعی بوده است که قبلاً تصور مینموده اند. در نتیجه کاوشها آثاری از قبیل آلات مختلف سنگی و فلزی، بنهای خشن سفالین و ظروف شکسته بازینتهای عجیب و غریب به دست آمده اند که بقدر کفایت ظرافت و زیبایی ندارند که بتوان آنها را صنعت نامید. ولی اگر آثار مزبور را بترتیب طبقات پی در پی زمینی که

در آنجا کشف شده اند دسته بندی کرده و تحت مطالعه در آوریم میتوانیم از پیشرفت این صنعت اولیه در زمان و مکان مطلع شویم .

امروزه نمیتوان مردمان مزبور را جزو قبایل وحشی شمرد بلکه اشخاصی بودند از هر حیث قوی که در حقیقت نیاکان اهالی آسیای غربی میباشند (اولین ساکنین ایران که بیرادران بین النهرین خود شبیه بودم مثل داربوش و آسور با نیال نیرو مند بوده اند)

در نتیجه شناسائی تمدن قدیم علاوه بر اینکه آغاز صنعت را در ایران و آسیای غربی بدست میآوریم موضوع مهمتری را نیز کشف می نمایم ، چون مردمان اولیه بارویه های مختلفی که برای اداره زندگانی خرد ایجاد کرده بودند اولین قبائلی بودند که بکشف فلز و بکار بردن آن در امور زندگانی نائل شده و از حال وحشیگری خارج گردیدند و از این راه تمدن امروزی در عالم ایجاد شد. از طرفی امروزه در صنایع و علوم و عقاید مذهبی و عمومی نکاتی مشاهده میشود که اصل و مبداء آن از مردمان مزبور بوده است. بدین ترتیب معلوم میشود آثاری که در نتیجه کارشما بدست آمده تاچه اندازه قدر و قیمت دارد و چگونه میتران با این اطلاعات جزئی نمونه از اولین سمنی و گرایش انسان برای پیشرفت بسوی تمدن بدست آورد. ما میدانیم که برای تحقیق در تمدن ادوار خیلی قدیم مدارك کتبی در دست نداریم و از هر قوم صنایع مخصوص و مشخصی پیدا نشده است و اطلاعات ما در خصوص اجتماعات بشری ناقص مانده . برای تکمیل اطلاعات فرضیات متفاوتی شده که مختصری به کشف حقایق کمک مینماید و تنها وسیله بدست آوردن اطلاعات همان آثار مکشوفه از حضرات می باشد که در نتیجه آن در مقابل دنیای جدیدی واقع میشویم که فقط در اثر جدیت کاوش کنندگان و توانائی و پشت کار فوق العاده علماء فن مورد مطالعه ما قرار گرفته است .

با این شرح باید دانست که چگونه میتوان اشیاء مکشوفه را طبقه بندی

نموده و تحت مطالعه در آوریم بهترین وسیله برای آغاز نجسس و بدست آوردن اطلاعات گوناگون راجع بتمدن قرنیهای متمادی قدیم دقت در ظروف سفالین ایران باستان میباشد که مشخص ترین صنعت آن دوره بوده است. در این کاوشها ظروف متعدد سفالین از قبیل لیوان دیگچه کاسه باندازه های مختلف بدست آمده است .



ظرف سفالی با نقش - تپه حصار نزدیک دامغان
موزه ایران باستان

گرچه خمیر این ظروف در موقع نازل این صنعت خشن می باشد ولی در ابتداء دارای ظرافت و خلوص فوق العاده بوده است . رنگ آنها از قهوه روشن تا خاک کمتری سبزرنگ و سفیدنخودی تغییر نموده و گاهی بر حسب جنس خاک و حرارتی که بآن داده شده ممکن است قرمز

رنك نیز باشد. ولی چیزی که بیشتر انسان را جذب میکند تزیینات و نقوش طبیعی و هندسی است که در این ظروف بکار رفته است. از قرار معلوم سفال عنصر اصلی لوازم زندگی قدما را تشکیل میداد. ظروف غذا خوری را از سفال میساختند و بجای قفصه خمره های بزرگ بکار میبردند که گاهی در آنها اسلحه و آلات کار و اشیاء آرایش مانند آینه های مسی و اسباب توالت (برك) و غیره پیدا شده است. بعضی از خمره ها نیز برای حفظ مالیات بکار میرفتند و گاهی نیز مردگان را در اینقسم خمره ها محفوظ میداشتند و چون تصور مینمودند که انسان پس از مرگ زندگانی جدیدی شبیه زندگانی این دنیا شروع مینماید در موقع دفن امرات پهلوی آنها ظروفی پراز غذا های مختلف میگذاشتند.



گوشه‌های شوش - ظروف سملاین باقش (زمناد ۱۲۱۵)

با دقت بیشتری معلوم میشود که مردمان مزبور علاقه مخصوصی بظرف های سملاین داشته اند و میتوان گفت نقوشی که روی آنها رسم می

نموده اند بخود آنها معانی و مقاصدی را نشان میداده است که امروزه بر ما مجهول میباشد.

چون مدارك دیگری را که بتوان بوسیله آن روح موسیقی رقص تقلید و صنایع دیگر را کشف نمود در دست نداریم باز هم مجبوریم بتحقیق در ظروف سفالین اکتفا کنیم.

قبل از هر فرض و تصویری در خصوص تمدن قدیم ایران بهتر اینست که بفهمیم این تمدن در کجا و چه موقع شروع شده است De Morgan فرانسوی در حفريات تپه اکروپل در شوش که از خرابه های شهر های متعدد تشکیل شده در طبقه زیر شهر الامی ظروف سفال نخاله بدست آورد که دارای نقوش الوانی بود. پس از این کشف بطبقه رسید که در آن ظروف نخاله بدون نقش مشاهده شد و بالاخره در آخرین طبقه در عمق ۲۵ متری قبرستان مهمی کشف نمود که دارای ظروف و آلات مسی مختلفی بود. این کشف از نظر علمی خیلی مهم است زیرا ظروفیکه در آنجا بدست آمده بقدری زیبا و ظریف ساخته شده بود که نه تنها دارای اهمیت تاریخی میباشد بلکه میتواند سرمشق خوبی برای صنعتگران امروزه قرار گیرند. بنا بر این مردمانیکه استعداد اینقبیل صنایع را داشته اند در حقیقت بیک درجه نسبتا عالی از تمدن رسیده بودند چون نه فقط با کمال استادی توانسته اند از فلزات استفاده کنند بلکه چنانچه از آثاری که روی فلزات باقی مانده مفهوم میگردد، برای پوشش خود نیز پارچه های خیلی لطیف شبیه بلطیقترین پارچه های امروزی تهیه نمودند از طرفی شورش در حقیقت بمنزله آتن ماقبل تاریخ و مدت مدیدی بهترین مدرسه صنعتی آن زمان بوده قبلا چنین بنظر میرسید که این تمدن که تقریبا در ۵۵۰۰ سال قبل ظاهر شده کهنه ترین تمدنیست که در آسیای غربی وجود داشته است زیرا آثار آن روی زمین هائی بدست آمده که قبلا در آنجا سکونت نبوده (دلیل آن پیدا نشدن آثار در طبقات زیرین آن است) ولی چنانچه

بعد ذکر خواهد شد حفريات ديگر معلوم نموده اند که قديمتر از اين تمدن
نيز وجود داشته است .

اين بود مختصري از نتايج کشفيات De. Morgan راجع باین دوره.



قطعه‌ی از طرف شمالی ماقص که از قبرستان شوش بدست آمده (۳۵۰۰ پیش از میلاد)
موزه ایران باستان

تا سالهای اخیر فقط در شوش و تپه موسیان واقع در پشت کوه توسط
De Morgan و M. de Mecquenem کاوشهایی شده بود. شهر شوش
از نقطه نظر جغرافیائی در بین النهرین واقع شد و در حقیقت حد فاصل
بین جلگه و فلات ایران میباشد و چنانچه از کاوشهای متعدد معلوم میشود
تمدن آن نیز مخلوطی از تمدن ایران و بین النهرین بوده است .

در سالهای اخیر کاوشهای متعددی در فلات ایران بعمل آمد که
ما فقط بذکر کاوش کنندگان و محل کاوش اکتفا میکنیم

- ۱- بندر بوشهر M. Pezard ۲- تخت جمشید E. Herzfeld ۳- تپه سبالک
نزدیک کاشان R. Ghirshman ۴- تپه حصار نزدیک دامغان E. Schmidt

۵- نورنك تپه نزدیک گرگان F. S. Wulsin ۶- شاه تپه بزرگ
M. E. Schmidt و M. Ghirshman J. J. Arne
در لرستان و تحقیقات Sir Aurel Stein در جنوب شرقی ایران بطوروفی
که در این کارشها بدست آمده غالباً معرف تمدنهای کهنه تراز تمدن شوش
میباشند و در حقیقت میتوان آنها را مبداء تمدن مزبور محسوب نمود .
مذالك باز هم در جستجوی مبداء تمدن ایران موفقیت کامل حاصل نکرده ایم
و در موقع تحقیق راجع بطرف بدست آمده از این کارشها بنسخته جدیدی
بر میخوریم که هر چند اغلب کارشها در زمینهای بعمل آمده که طبقه زیرین
آن فاقد آثار میباشد ، با این وصف اغلب برای بدست آوردن اطلاعات
مفید لازم میشود سیر تکامل تمدن را در دوره های ما قبل آن تعقیب کنیم
و بنظر میرسد برای تکمیل اطلاعات احتیاج بکارشها و جستجو فائی در
خارج از آسیای غربی داریم . حال به بینیم که خارج از آسیای غربی چه
اطلاعاتی داریم ولی قبل از شروع بگفتگو در خصوص اطلاعات مزبور
لازم است يك واقعه مهمی بطور معترضه یاد آوری شود .

در نتیجه تحقیقات در آثار مکشوفه از کارشها معلوم میشود که
مردمان آن دوره باوجود کمی وسایل موفق باهلی نمودن حیوانات و کشت
و زرع زمین شده بودند و بعداً در نتیجه پیدایش فلز توانسته اند اندازه
بقوای طبیعی مخالف خود مسلط شده و طرز زندگی خویش را تغییر
دهند . ولی در بین دو زمان یعنی قبل از کشف فلز و بعد از آن اتفاق مهمی
رخ داده است که کتب آسمانی نیز بدان اشاره نموده اند و آن طوفان
نوح میباشد . در تورات از قصه تخریب عالم توسط آبها نامی برده شده است
که از بابلی ما اقتباس گردیده . سومری ها در شاهنامه Gilgamesh پادشاه
شهر اردک حکایت مزبور را گنجانیده و چنین گفته شده است که بواسطه تأثر
روحیکه در نتیجه مرگ دوست خودش Enkidou برای او عارض شده
بود شاه مزبور برای پیدا کردن سر جاویدانی دنیا را سیاحت مینمود . پس

از گذشتن از مخاطرات متعدد و بر خوردن بمردان شیبه بقوب و باغی
بر از جواهر بالاخره خود را در مقابل مردی که پس از طوفان زنده مانده بود
میابد و از او سرچاویدان را استوال میکند. این شخص که بزبان سومری
Outnapishtin نام داشت در تورات حضرت نوح خوانده میشود.



قاری سفالی با نقش - تپه گیان نزدیک نجافند
موزه ایران باستان

Outnapishtim در جواب نجات خود را باین ترتیب شرح میدهد و خدایان تصمیم
گرفته بودند که انسان را ازین زمین ببرد و زمین را غرق کنند ولی Ea رب النوع
عقل به یک بوته نی سر آنهارا میگوید و بواسطه صدای نی این مطلب تدرار
میشود تا بگوش Outnapishtim میرسد و او میفهمد که بایستی کشتی بزرگی
بسازد و باخانواده، خود و حیوانات در آن پناه ببرد. ساعتی که توسط
خدای Shamash رب النوع خورشید برای شروع به طوفان معین شده بود
فرا میرسد. باران شروع شده و طوفان سختی حادث میشود Adad رب النوع
رعد و برق آسمان را پراز غرش مینماید. فرشتگان مشعل بدست در آسمان
حاضر میشوند و Outnapishtim با شتاب خود را بکشتی میرساند شدت طوفان

بقدری است که ترس آن بر خود ارباب انواع نیز مستولی میشود و آنها مجبور میشوند که با آسمان هفتم فرار کنند. Ishtar رب النوع عشق و مادر انسان که تا اندازه در این حادثه مسئولیت داشت بختالشکوه میگوید آیا فرزندان من بایستی مانند ماهی دربارا پر کنند. حال قصه را بطوری که خود Outnapishtim بیان مینماید و ترجمه قسمتی از آن از کتابخانه آنوریانیال استفاده شده است شرح میدهم: من بدریا نظر مینمودم همه جا خاموش بود و تمام مخلوق تبدیل به گل شده بودند. پنجره را باز نمودم روشنائی به صورتم افتاد. روی گونه‌هایم اشکها سرازیر بود. بدنیام وافق نظر نمودم از دور کوه Nitsir (یعنی آرات) بشکل جزیره نمایان بود کشتی به کوه رسید و جلوتر نرفت پس از هفت روز من کبوتری از کشتی گرفته و رها نمودم مدتی پرواز نمود و برگشت بعد پرستوی آزاد نمودم چون جانی برای نشستن نداشت او هم برگشت کلاغی پرواز دادم از نظر دور شد خنک شدن آبها را دید مشغول خوردن غلظیدن و جولان در گل ولای و صدا نمودن شده مراجعت نمود. بهر سو کلاغی رها نمودم پاس نعمت خدایان در قله کوه حیوانی قربانی نمودم بوی گوشت بمشام آنان رسید و مانند مگس دور قربانی گرد آمدند. - قصه شبیه باین در توراة نقل شده است.

از طرفی در نتیجه کماوشهائی که در خرابه‌های our در عراق عرب شده است آثار طوفان بشکل رسوباتیکه که توسط شطها بر جای مانده است مشاهده میشود. در این محل از زیر بیابان در اولین طبقه ظروف سفالی پیدا شده است شبیه به کهنه‌ترین ظروفی که در فلات ایران کشف شده و نماینده تمدنی شبیه و هم دوره تمدن فلات ایران میباشد. طبقه بعدی از یک قسمت گل ولای بقطر سه متر تشکیل شده که در آن هیچ اثری از زندگی انسانی مشاهده نگردیده و در نتیجه جریان آبهای رودخانه‌ها تشکیل شده است. این قطر بما نشان میدهد که طغیان بزرگی سابقاً در این

سرزمین اتفاق افتاده است. در روی این طبقه ظروفی بدست میآید که از نظر صنعتی ترقی بیشتری را نشان میدهد این اتفاق تنها حادثه‌ای نیست که رخ داده است بلکه بعضی حوادث شبیه به آن پی در پی در بین النهرین پیش آمده چنانچه شرح داده شد. چون در يك دوره معین طغیانهای مختلف در چندین محل روی داده است بنظر عموم چنین آمده که تمام آنها در يك موقع با هم طوفان اتفاق افتاده و تمام عالم را فرا گرفته است. مخصوصاً در شهر our خرابی زیادی در نتیجه طوفان حادث شده. در این مورد باید دانست که دو هزار سال قبل از میلاد یعنی در دوره سلطنت حمورابی قبیله بنی اسرائیل تحت ریاست حضرت ابراهیم از our بطرف فلسطین مهاجرت



دسته خنجر از استخوان بشکل انسانیکه دست بسینه ایستاده

تپه سیک نزدیک گلشان (در حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد) موزه ایران باستان

نموده‌اند. این بود طرز حکایت قصه توسط بنی اسرائیل که خود آنها نیز از بابلها نقل قول نموده بودند و قدمت آن به حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد میرسد. تقریباً در سه هزار سال قبل از میلاد شهر our مسکن جماعت تاجری بوده است که از هند بدانجا مهاجرت نموده بودند باین

دلیل که در خرابه‌های شهر مزبور مہری کشف شده است کہ درین النہرین بہ سبک مہرہای شہر Mohejno-Daro کہ یکی از شہرہای ہندوستان غربی است حک شده است .

شاید این تجار علاوہ بر اینکہ محصولات و مروالام را بہ ہندوستان بردہ اند رو ایانی نیز ہمراہ داشتہ از جملہ ممکن است قصہ طوفان نوح بعدہا توسط آنہا بہ آریائیہا انتقال دادہ شدہ باشد .

در افسانہ مانو نیز صحبت از حادثہ طوفان میشود یعنی شخص مانو قبلاً مطلع شدہ و بوسیلہ کشتی خود را نجات میدہد و در نتیجہ نژاد تازہ از خود بوجود میآورد این بود شرح حادثہ مهمی کہ در زمان کهنہ ترین تمدن ایران ظاہر شدہ و اشارہ بدان بی‌مورد نبود .

چنانچہ قبلاً گفتہ شد مبداء تمدن قدیمی ایران را بایستی در خارج از آسیای غربی جستجو نمود ولی باید بہ بینیم کہ در چہ طرف مطالعات خود را شروع کنیم ؟راجع باین قسمت فرضیات زیادی شدہ است ولی ثبوت این فرضیات مشکل است، چون مدارک صحیحی در دست نداریم . در چین و شمال ہندوستان ظروفی بدست آمدہ است کہ معرف تمدن قدیمی میباشد شبیہ بہ تمدن ایران باستان ولی نمیتوان گفت کہ تمدن ایران از تمدن مزبور تقلید شدہ است چون تاریخ تمدن چین و ہند جدیدتر بودہ است بعلاوہ شہادتہای کہ بین این دو نوع صنعت موجود است فقط نمونہ ارتباطات تجارتی بین دو قوم میباشد ولی نمیتوان تصور نمود کہ یکی از این دو قوم (ساکنین ہند یا چین) بعزت نامساعد بودن شرائط زندگی از محل خود بایران مهاجرت نمودہ است . برای شناسائی نژادہا و اصل آنہا راہ دیگری بنظر میرسد و آن مطالعہ در طرز دفن مردگان و آداب و رسوم مذہبی متعلق بآن میباشد چون مردمان اولیہ بیش از مردمان امروز فکر عاقبت و مرگ بودہ اند بعضی از تمدن ہای قدیمی مثل تمدن مصر را میتوان تمدن آن دنیائی نامید چنانچہ Diodore نویسنده لائینی کہ در عہد Anguste

مزیسته میگوید مصریان منازل این دنیا را موقتی و محل عبور و قبرهای خود را دائمی تصور مینمودند. بهترین دلیل گفته‌های Diodore منازل کم اهمیت مصریان در سواحل نیل از یکطرف و اهرام عظیم مصر از طرف دیگر میباشد.



ظرف سفالی با نقش تخت جمشید (۲۶۰۰ پیش از میلاد)
موزه ایران باستان

در آن زمان هر کدام از اجتماعات بشر بسته به آداب و رسوم مذهبی خود طرز مخصوصی برای دفن مردگان داشتند و هر وقت تغییر کلی در این عقاید پیدا میشد بعلت هجوم اجنبیان بوده است که عقاید خود را بزور اسلحه تحمیل کرده‌اند. در قبرهای عصر حجر جدید یعنی قبل از حادثه طوفان در ایران مرده‌ها را به پشت میخوابانیدند. بعدها در موقع پیدایش مس بدن آنها را مثل بچه که در رحم مادر است جمع مینمودند. این تغییر عادت را نباید چندان بی اهمیت دانست و از آن میتوان فهمید که تحول مزبور در نتیجه هجوم قوم جدیدی است که همین فلز را در زندگانی خود بکار برده‌اند.

باین شرح معلوم شد که از روی عادات مذهبی میران اطلاعاتی راجع به تمدن و مبداء آن در ایران بدست آورد در این خصوص تحقیقات زیادی شده و مخصوصاً عادات اقوام مزبور را با رسوم چین در شرق و روسیه در غرب و از طرفی باین النهرین در جنوب مقایسه نموده اند و بطور خلاصه در نتیجه میتوان دریافت که شاید اولین اقوامی که بایران آمده اند از سبیری مهاجرت نموده باشند و سبیری سرزمینی است که بین تمام نقاط مزبور واقع است.



ظرف سفالی با نقش - تپه سیلک نزدیک کاشان
(در حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد) موزه ایران باستان

طرز زندگی مردمان ایران و آسیای غربی بسنگی تامی
بوضیعت زمین شناسی عصر Plio - cène دارد - در این عصر بین النهرین

وجود نداشته و خلیج فارس تا ناحیه موصل وسعت داشته است . بعد ها جریان آنها از کوههای ارمنستان مواد رسوبی را کنده و بتدریج دریا را مملو ساخته و بدین ترتیب جلگه بین النهرین تشکیل میشود و هنوز هم این کوه ها بتدریج شسته شده و دریا را پرمیکند و روزی خواهد رسید که خلیج



تلف سفالی با نقش - تپه سیلک نزدیک کاشان
(در حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد)
موزه ایران باستان

فارس بکلی از بین خواهد رفت. از طرفی بر حسب گفته های De Morgan فلات ایران از یک طبقه ضخیم یخ پوشیده بوده است چنانچه ناحیه اورال تا اسکاندیناوی نیز بهمین ترتیب بود . در عقب این دیوار بزرگ یخی عبور نردنی گروهی میزیستند که از شدت سرما فرسوده شده بودند . پس

از اینکه هوا تغییر نمود و بر آنها ذوب شدند راه برای آنها باز میشود و دسته دسته بطرف آسیای غربی مهاجرت مینمایند . تصور میرود دسته ای از اولین مهاجرینی که Asianique نامیده میشوند وارد مصر شده و دسته دیگر در جزیره کرت مسکن گزیده و در این نواحی پرت و دور افتاده عناصر تمدن مخصوصی را به همراه آورده باشند .



طرف سفالی با نقش - نیمه سیرک نزدیک کاشان
موزه ایران باستان

مهاجرین مزبور در الام و هند با طوایف سیاه پوست برخورد نموده و آنها را مغلوب مینمایند و همین قبیله هستند که فلز را کشف نموده و کهنه ترین تمدن را در ایران ایجاد کرده اند . بعدها قبائل سومری Sumeriens از همان نواحی مهاجرت نموده و پس از اینکه در شمال دریای سیاه و قفقاز آثاری از خرد باقی گذاشتند در الام و بین النهرین که قسمت عمده آن تا آن زمان توسط رسوبات تشکیل شده بود برقرار گشتند و این دسته نیز از نژاد Asianique میباشد . بعداً در این نواحی بانژاد سامی که از سوریه

آمده بودند مخلوط میشوند. اغلب تمدنهای بزرگ توسط سومریها شروع شده است، زیرا مردمان صنعتگر و مخترعی بودند. مخصوصاً در طرح تصاویر حیوانات خیلی ماهر بوده و آنها را شبیه و حقیقی میساختند.



ظرف سفالی بالمش-شوش (۳۵۰۰ پیش از میلاد)
موزه ایران باستان

در معذری گنبد و طاقهای قوسی اختراع نموده و همچنین در ساختمانهای سون بکار بردند. رقص و موسیقی را دوست میداشتند و اسبابهای سیمی و بادی رطلیل و دهل میزدند. دانه را به ۳۶۰ درجه و روز را به ۲۴ ساعت تقسیم نمودند و از همه مهمتر اینکه خط میخی را اختراع کردند. تمدن سومری خیلی قدیمی بوده و ما فقط از ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد آن را در آسیای غربی میشناسیم. در سومر قدیم زنها اقتدار کاملی داشتند و در امور سیاسی حقوق آنها با مردان مساوی بود و حتی میتوانند دوشوهر داشته باشند. تقریباً در سه هزار سال قبل از میلاد آریائنها که شاید از

همان نژاد بوده‌اند از فلات ایران عبور نموده و اسم خود را نیز باین سر زمین دادند چون ایران بمعنای مسکن آریائیها است .

مادها، پارسیان ، باختریها و سفدیها در این کشور مسکن میکنند و طوائف دیگر برای فتح هندوستان رفته و Dravidiens ها را که مخلوط با نژاد Arianique شده بودند فرمانبردار خویش میسازند .

در سمت غربی دسته طوائفی آریائی نژاد بتدریج به بین النهرین هجوم میآوردند . قبلا با goutis ها که طوائف وحشی بوده و در کوههای Zagros (رشته جبال غربی ایران) میزیستند مخلوط شده و سلطنت سامی آگادیسار از بین میبرند . بعد سلطنت Mitani را تشکیل داده و آشور را نیز تحت تسلط خود در آورده و بالاخره با اسم Kassite در مدت شش قرن در بابل حکمفرمایی میکنند .

در اینموقع طوائف آریائی دیگر یعنی Scythes ها که در جلگه های روسیه مسکن داشتند بزراعت پرداخته و یازندگان سی صحرا نشینی اختیار مینمایند . آریائیها تمدن مادی پیشینیان خود را اختیار نمودند ولی آنها دارای خصائل اخلاقی نیک و پاکی بودند که نمونه آن در دین و آئین آنان بخوبی هریدا است . آنها خود را آریای یعنی نجیب می نامیدند در حقیقت با کردار نیک و مردانگی که داشتند این اسم برای آنها بی تناسب نیست آریائیها فاتحینی بودند که در نتیجه تأثیر محیط جدید تغییراتی در روحیه آنها پیدا شد . چنانچه در موقعیکه آریائیهای ایران برای فتح دنیا اقدام نموده از سند Jndus تا ادانوب و Cyrenaique را تحت اختیار خود در میآوردند : آریائیهای هند بعلمت آب و هوای مخصوص آن سرزمین از جهانگیری دست برداشتند و قوت روحانی خود را برای تسلط بر نفس و آزادی روح بکار بردند

هجوم طوائف مختلف فقط از راه ایران نبوده است و بلك دسته از نه‌پس از پیمودن سواحل دریای سیاه از بسفر گذشته و تشکیل

عنصر مهم سلطنت Hittite را میدهند که در تورات این طایفه معروف به Hetteen میاشد .

بقیة علماء امروز تمام طوائفیکه نام برده شد بجز سامیان از قبائل هند و اروپائی بوده اند ولی نژاد هند و اروپائی هم مثل تمام نژاد های بشر خالص نیست . هر چند این نژاد ها از حیث ارتباطهای زبانی و بعضی عقایدین با هم شریک میباشند ولی در حقیقت عناصر متشکله آنها مختلف است همین دلیل است که امروزه در بین هند و اروپائیا اختلافات نژادی بسیاری مشاهده میشود . این اختلافات در قدیم نیز موجود بود . چنانچه ذلت در جمجمه هائی که در یک قبرستان قدیمی بدست میآید کاملاً این موضوع را ثابت مینماید .

هجوم طوائف مختلفی که شرح داده شد بطور ساده و ملایمت و بدون جنگ وجدال نبوده است و در موقع هجوم این قبائل پرحرص و طمع همه جا تولید رحشت نموده و ساکنین معبر خود را رانده مجبور به مهاجرت مینمودند اینها نیز به نوبه خود بر سر طائفه دیگر هجوم میآوردند و از روی همین اتفاقات است که افسانه های پهلوانی درست شده است .

